

پرسش بلاغی در شعر مهدی اخوان ثالث

دکتر حسن حیدری

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

دکتر علی صباغی

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

چکیده

در این جستار کوشش شده است تا پرسش بلاغی در شعر مهدی اخوان ثالث با تکیه بر معانی ضمنی پرسش و فضای شعری اخوان بر اساس تعاریف مشترک در منابع بلاغت عربی، فارسی و انگلیسی بررسی شود. حاصل پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین پرسش‌های شعر اخوان ثالث متضمن معنای ضمنی اظهار عجز و بیان نومییدی است و نیز گاه چند معنای ضمنی از یک پرسش بلاغی در شعر او به دست می‌آید که برخی از آن پرسش‌ها در تعاریف رسمی منابع بلاغت اسلامی - ایرانی نمی‌گنجد و در بردارنده معنای جدیدی است.

واژگان کلیدی: معانی در شعر معاصر، استفهام بلاغی (هنری)، اشعار اخوان ثالث، ادبیات معاصر.

مقدمه

کاربرد دستاوردهای نظریه‌های ادبی و زبان‌شناسی طی نیم قرن اخیر در بررسی زبان و ادبیات فارسی افزایش چشمگیری یافته است و بویژه شعر موسوم به نیمایی را بیشتر با آن دستاوردها بررسی کرده‌اند. امروزه بر پیشانی انواع پژوهش‌ها و مقالات ادبی با عنوانهایی مانند هنجارگریزی، برجسته‌سازی، ریخت‌شناسی، بررسی ساختاری و بینامتنیت و نظایر آن زیاد روبه‌رو می‌شویم. شکی نیست که استفاده بجا از هر نظریه‌ای می‌تواند به گسترش دامنه تحقیق در ادبیات و نوجویی در شیوه‌های پژوهش کمک کند اما اینکه این نظریه‌ها و روشها چقدر بومی‌سازی شده است یا تا چه حد می‌تواند در پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی کاربردی شود به بررسی جداگانه نیاز دارد و با بحث کلی بومی‌سازی علوم انسانی نیز سخت مرتبط است که در سال‌های اخیر مطرح شده است. در حوزه بلاغت، می‌توان ادعا کرد که بلاغت خالص ادبیات فارسی نداریم و تا دوره اخیر و قبل از ورود سیل نظریه‌های زبانی - ادبی غربی، بلاغت ما تابع بلاغت زبان و ادبیات عربی بوده است. در دوره اخیر نظریه‌های بلاغت غربی بدان افزوده شده است. بنابراین اگر نتوان اصول بلاغی خاص ادبیات فارسی را استخراج کرد یا حداقل هر دو دسته معیارهای شرقی و غربی را با هم به کار گرفت، بیم آن می‌رود که در آینده نزدیک برای نقد و بررسی متون ادبی فارسی هیچ ملاک بومی نباشد. از این رو در این جستار سعی شده است شعر یکی از شاعران معاصر با همان ملاکهای بومی بلاغت اسلامی و ایرانی بررسی، و اگر بر حسب ضرورت به طرح اصطلاحات جدیدی احساس نیاز شود از خود این متون گرفته و اقتباس شود.

این جستار نیز با عنایت به این رویکرد فراهم شده و قصد آن بررسی پرسشهای بلاغی و معانی ضمنی آنها در اشعار مهدی اخوان ثالث «م. امید» (۱۳۶۹ - ۱۳۰۶) است. علت انتخاب اشعار اخوان ثالث برای این موضوع به دو دلیل بوده است: یکی اینکه شعر او به نوعی عرصه آشتی سنت و تجدد است؛ یعنی در قالب جدید شعر نیمایی محتوای نو ارائه کرده است؛ اما لغات و ترکیبهای شعری وی از متن سنت شعر

خراسانی مایه گرفته است. دوم اینکه با ورود به شعر اخوان امکان بررسی علم معانی را در شعر نیمایی بسنجیم. شایان ذکر است که دربارهٔ استفهام در برخی از اشعار اخوان ثالث تنها یک مقاله با عنوان «منظور شناسی جمله‌های پرسشی در شعر اخوان ثالث» به قلم جلال رحیمیان - عباس بتولی آرانی نوشته شده است (رک: رحیمیان، ۱۳۸۱: ۴۲ تا ۵۵).

تاریخچه بحث و نقد منابع

در منابع بلاغت اسلامی، استفهام یکی از مباحث انشای طلبی است و به بخش دانش «معانی» تعلق دارد. در این منابع، استفهام را عمدتاً پرسشی دانسته‌اند که از سوی سخنور مطرح می‌شود اما قصد آن طلب جواب و کسب خبر نیست بلکه انگیزه هنری دارد. دانشمندان بلاغت اسلامی به لحاظ فلسفی و با ترازوی منطق، پرسش را به تصویری و تصدیقی و نظایر آن تقسیم کرده‌اند. در یک تقسیم‌بندی کلی، پرسش را به دو نوع اخباری (زبانی) و بلاغی (هنری) می‌توان جدا کرد. در پرسش بلاغی (ادبی یا هنری)، قصد شاعر کسب پاسخ نیست؛ چه بسیاری از پرسش‌های بلاغی پاسخی ندارد یا پاسخ، اهمیتی ندارد؛ بلکه معنای ضمنی سؤال و تأثیر عاطفی آن در مخاطب مورد نظر شاعر است که از اهداف اصلی علم معانی هم هست.

از حیث تاریخی در نخستین منابع بلاغت فارسی، نامی از استفهام نیست؛ مثلاً در ترجمان البلاغه، حدائق السحر فی دقائق الشعر و المعجم فی معاییر اشعار العجم عمدتاً به بیان و بدیع پرداخته شده و از مباحث معانی ذکری به میان نیامده است. علت این است که هنوز مباحث آنها از هم جدا نشده و استقلال پیدا نکرده است. با جدایی مباحث معانی از بیان و بدیع از روزگار سکاکی به این سو و تألیف منابع مستقل به فارسی برای هر کدام از یک سو و نیز ورود بحث به حوزهٔ دانشگاه از سوی دیگر به حد کافی، موضوع هر سه فن تخصصی شده است. در منابعی که به عربی نوشته شده به تفصیل از استفهام بحث شده و از آنجا وارد منابع فارسی شده است. در منابع فارسی در کنار شواهد عربی - آیات قرآن و شعر عربی - ابیات فارسی نیز گنجانده شده است. در

منابع غربی نیز این موضوع تحت عنوان پرسش بلاغی^۱ یا پرسش ضمنی^۲ مطرح، و در منابع مرجع مختلف به چند نوع تقسیم شده است. در مجموع این اقسام از گستره‌ای که در بلاغت شرق برای اقسام استفهام برشمرده‌اند خارج نیست. اما در مصداقها و انواع معانی ضمنی ممکن است اختلافاتی باشد. به موازات تعریف و تقسیم جریان بلاغت عربی و فارسی، رواج نظریه‌های بلاغت غربی و زبان‌شناسی نیز بر ابعاد موضوع افزوده است.

تعریف و تقسیم‌بندی انواع استفهام در منابع قدیمتر در دو بخش ارائه، و این تقسیم‌بندی در منابع بعدی نیز حفظ شده است: در بخش اول معانی زبانی یا خبری استفهام و در بخش دوم، معانی ضمنی آن مطرح شده است. این منابع اصل را بر معانی خبری و زبانی قرار داده و معانی هنری پرسش را معانی ضمنی قلمداد کرده‌اند. رویکرد این منابع بیشتر بر مبنای تعریف منطقی موضوع است؛ مثلاً تفتازانی در المطول، استفهام را از انواع انشای طلبی شمرده و در تعریف آن آورده است: «وَ هُوَ طَلَبُ حُصُولِ صُورَةِ الشَّيْءِ فِي الدَّهْنِ فَإِنْ كَانَتْ تِلْكَ الصُّورَةُ وَوُقُوعِ النَّسْبَةِ بَيْنَ الشَّيْئَيْنِ أَوَّلًا وَوُقُوعِهَا فَحُصُولِهَا هُوَ التَّصْدِيقُ وَالْأَلَا فَهُوَ التَّصَوُّرُ...» (تفتازانی، ۱۴۱۶: ۲۲۶). سپس در بخش معانی ضمنی استفهام نوشته است: «ثُمَّ إِنْ هَذِهِ الْكَلِمَاتُ كَثِيرًا مَّا تُسْتَعْمَلُ فِي غَيْرِ الْإِسْتِفْهَامِ...» (همان، ۲۳۵). تعاریف منابع بعد از المطول همه از آن تأثیر پذیرفته، است و کمتر چیزی بدان اضافه شده است. همایی برای استفهام دو معنی حقیقی و مجازی قائل شده است که با تقسیم‌بندی زبانی و هنری مطابقت می‌کند (رک: همایی، ۱۳۷۳: ۱۰۵؛ شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۳۵)؛ همچنین کزازی، پرسش را در دو قلمرو پرسش زبانی و پرسش هنری مطرح کرده است و می‌نویسد: «آنچه در دانش معانی از آن سخن می‌رود تنها پرسش هنری است.... انگیزه‌ای زیباشناختی سخنور را و می‌دارد که به شیوه‌ای هنری بپرسد...» (کزازی، ۱۳۷۳: ۲۰۸-۲۰۳). برخی از منابع تعریف زبانی و منطقی استفهام را اصل قرار داده، و معانی ضمنی استفهام را به حاشیه برده‌اند؛ مثلاً در ذرر الادب آمده است: «استفهام طلب امر مجهول است به یکی از ادوات مثل همزه و هل و...» (آق اولی، بی تا:

۳۸). سپس در آخر بحث تحت عنوان تتمه نوشته است: «گاه ادوات استفهام از معنی حقیقی خود خارج می‌شوند و با وجود علم به مسئول عنه سؤال می‌شود به آنها به جهت اغراض دیگری که فهمیده می‌شود از سیاق کلام...» (همان، ۴۷). منابع دیگر نیز، همین بخش‌بندی را حفظ کرده، اما در بخش نخست به تعریف منطقی استفهام پرداخته‌اند: «درخواست دریافت صورت چیزی است که در ذهن پرسنده است و پرسنده می‌خواهد بداند آن صورت با خارج و واقع هماهنگی دارد یا نه؟...» (طیبیان، ۱۳۸۸: ۱۷۷). از میان منابع جدید، شمیسا بیش از همه معاصران و گذشتگان در توسعه معانی ضمنی استفهام تلاش کرده است. او استفهام را با بحث ابهام مرتبط دانسته و به فلسفه سؤال و اهداف آن نیز اشاره کرده است: «یکی از مختصات آثار خلاق ادبی ابهام است؛ زیرا در ادبیات دقیق و اعماق مسائل عاطفی و روحی و فلسفی مورد دقت و موشکافی قرار می‌گیرد؛ طرح این گونه مسائل معمولاً با جملات پرسشی صورت می‌گیرد» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۴۶)؛ زیرا اولاً نویسنده خود نسبت به ماهیت موضوع آگاهی کافی ندارد و ثانیاً جملات پرسشی، توجه خواننده را به اصل موضوع جلب می‌کند و مخاطب را به تفکر و تعمق وا می‌دارد. بنابراین طرح مسائل مبهم و قابل تأمل با جملات پرسشی بلیغتر و مؤثرتر از جملات خبری است (ر.ک: همان).

در منابع پیش گفته، انواع استفهام عمدتاً مشترک است اما ایرادهایی نیز بر بعضی منابع از حیث تطبیق شاهد با تعریف وارد است؛ مثلاً گاهی شاهد ارائه شده اما عنوان ندارد؛ هم‌چنین گاهی شاهد به عنوان داده شده مربوط نیست و منطقاً باید زیر عنوان دیگری در جای شایسته خود درج بشود؛ مثلاً بیت

صلاح کار کجا و من خراب کجا؟
بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا؟

در معانی و بیان تجلیل، شاهد برای حسرت است (تجلیل، ۱۳۷۲: ۳۰) و در معانی شمیسا شاهد منافات و استبعاد است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۴۳).

یا این بیت:

بر در ارباب بی مروّت دنیا
چند نشینی که خواجه کی به در آید؟

در معانی و بیان تجلیل، مصداق ارشاد است (تجلیل، ۱۳۷۲: ۳۰) در حالی که به نظر می‌رسد شاهد نهی مؤدبانه و غیر مستقیم باشد.

برای درک روشن‌تر از انواع معانی ضمنی استفهام، معانی استفهام از منابع قدیم و جدید به تفکیک استخراج، و در جدولی به پیوست همین جستار ارائه شده است؛ این منابع یا به عربی است که عمدتاً ایرانیان تدوین کرده‌اند یا به فارسی است که در دوره جدید بر مبنای همان منابع عربی تالیف و شواهد فارسی بدان افزوده و گاه گاه شواهدی نیز از شعر نیمایی بدانها اضافه شده است.

روش تحقیق

در این جستار روش تحقیق، توصیفی، و همه شواهد بر اساس استقرا از کتاب گزینه اشعار مهدی اخوان ثالث فراهم، و به صورت دو جدول در پی‌نوشت ارائه شده است: در جدول نخست تعداد اشعار گزینش شده از هر مجموعه اخوان به همراه تعداد پرسش‌های آن است و در جدول دوم انواع معانی ضمنی استفهام در منابع بلاغت و بسامد آنها در اشعار اخوان ثالث ارائه شده است. به منظور پرهیز از تفصیل بیش از حد صفحات مقاله ناگزیر یک تا دو شاهد جامع‌تر نقل شده، و نیز با آگاهی از تأثیر شکل نوشتاری شعر جدید و لزوم حفظ صورت اولیه آن، سطرها به دنبال هم نوشته با خط مورب متمایز گردیده است؛ هم‌چنین برای پرهیز از تکرار ارجاع‌های درون متنی در پایان شواهد تنها به ذکر شماره صفحه گزینه اشعار اخوان ثالث بسنده شده است. گفتنی است برای اینکه درج همه شواهد از حجم یک مقاله فراتر است یک تا دو شاهد نقل، و بقیه موارد به گزیده شعر اخوان ارجاع داده شده است.

معانی ضمنی استفهام در شعر اخوان ثالث

۱. تعجب: تعجب و اظهار شگفتی یکی از معانی مشترک پرسش هنری در تمام منابع است و در شعر اخوان نیز بسامد زیادی دارد. نقش زبان در این گونه پرسش، که جهتگیری

پیام به سوی گوینده است، نقش عاطفی است (رک: صفوی، ۱۳۸۳: ۳۱).

من ز تو باور نکنم / این تویی / دوش چه دیدی چه شنیدی به خواب؟
(۷۵)

و من در حیرتم از اینکه در شهر شما بینم / به هر گامی چراغی هست با نورافکنی
پر زور / و شبها باز هم تاریک؟ (۲۵۲)

۲. هشدار، تذکر و تنبیه: آگاه ساختن مخاطب و هشدار به او از طریق پیامی که در آن زبان نقش ترغیب و برانگیختن مخاطب را دارد (رک: همان، ۳۱)؛ به عنوان نمونه اخوان در شعر «صبحی» به مرغان قرار از دست داده شاد و شنگ می گوید:

خوشا دیگر خوشا حال شما، اما / سپهر پیرید عهدست و بی مهرست، می دانید؟
(۱۶۵)

۳. طنز و تهکم: سؤال از پایتخت قرن و گشودن هیچستان، تعبیرهای طنزآمیزی است که ناشی از هنجارگریزی است. اضافه کردن پایتخت به قرن و گشودن هیچستان از هنجار زبان فارسی فاصله گرفته، و این انحراف، طنز ساخته است؛ از سوی دیگر باید گفت تعبیر متناقض نمای «فتح هیچستان» در کنار پایتخت قرن، که تعبیری و همی است، طنز را دو چندان کرده است:

هان کجاست / پایتخت قرن؟ / ما برای فتح می آییم / تا که هیچستانش بگشاییم...
(۱۱۳)

طنز مطلب در دو سطر بعد ناشی از تقابل دو شخصیت نمادین از یک سو و تجاهل گوینده نسبت به موضوع و بیان آن در قالب سؤال از سوی دیگر است در عین حال که ایهام تناسب بین رستم و زال نیز حفظ شده است:

راست بود آن رستم دستان / یا که سایه دوک زالی بود؟

(۱۲۴)

همچنین آوردن صفت افتخار آمیز برای دزد (رک: اخوان، ۱۳۷۵: ۲۱۴) و مات کردن برج در بازی شطرنج (همان، ۱۵۱) از دیگر نمونه های طنز و تهکم در شعر اخوان است.

۴. انکار: در منابع قدیم انکار را یکی از معانی ضمنی پرسش دانسته، و عمدتاً آن را متضمن دو معنای توبیخ و تکذیب قلمداد کرده‌اند. خطیب قزوینی در کتاب «الایضاح» انکار را برای دو معنی توبیخ و تکذیب در نظر گرفته است (رک: خطیب قزوینی، ۱۴۲۴ق: ۱۱۳)؛ هم‌چنین در پانویست کتاب «جواهر البلاغه» جمله‌ای بدین مضمون آمده است که اگر انکار در اثبات به کار برود آن را منفی می‌سازد و اگر در نفی به کار برود آن را اثبات می‌کند، نفی اثبات نفی است و نفی نفی، اثبات است (رک: الهاشمی، ۱۹۹۹م: ۸۳). در منابع قدیم از نفی به صورت جداگانه ذکری نشده است اما در منابع جدید آن را از انکار جدا کرده‌اند. منابع قدیم انکار را اصل دانسته‌اند، بهتر است ما نیز همان را اصل بدانیم و معنای ضمنی نفی را فرع بر انکار قلمداد کنیم. در شعر اخوان پرسش انکاری عمدتاً در معنای منفی است:

الف) دیگر کدام از جان گذشته زیراین خونبار/ این هر دم افزونبار/ شطرنج خواهد باخت/ بر بام خانه بر گلیم تار؟ (۱۵۴)

ب) هزاران سایه جنبد باغ را چون باد برخیزد/ گهی چونان گهی چونین/ که می‌داند چه می‌دیده‌ست آن غمگین؟ (ص ۱۵۸)

گاهی اخوان انکار را با ادات تأکید می‌آورد و نفی را مؤکد می‌سازد:

گشته در رویش نگاهم محو/ مانده در چشم نگاهش مات/ باز هم او را توانم دید؟/ آه کی دیگر؟ کجا؟ هیات؟ (۳۱۴)

۵. تقریر: تقریر از آن دسته معانی ضمنی است که هر چند گاهی هدف آن «تحقیق و تثبیت» است (تفتازانی، ۱۴۱۶ق: ۲۳۶) اما عمدتاً مخاطب محور است؛ یعنی می‌خواهد مخاطب واکنش زبانی یا بدنی نشان بدهد. نخست اینکه گوینده می‌پرسد تا مخاطب را به اقرار و تأیید مطلب وادار کند. دوم اینکه گوینده می‌خواهد مخاطب را بر کاری ترغیب و تشجیع کند. گفته‌اند آنچه مورد تقریر است همراه ادوات استفهام می‌آید و از این حیث گاه اقرار به فاعل و گاه اقرار به مفعول است. اگر استفهام تقریری بر سر کلمه

پرسش بلاغی در شعر مهدی اخوان ثالث

نفی درآید گاهی معنی اثبات می‌دهد (رک: همایی، ۱۳۷۳: ۱۰۶). در شعر اخوان تقریر بیشتر معنای ضمنی اقرار و تأیید مخاطب را به همراه دارد:

الف) می‌گفت: «ای دوست ما را مترسان ز دشمن / ترسی ندارد سری که بریده‌ست / آخر مگر نه، مگر نه / در کوچه عاشقان گشته‌ام من؟» (۱۷۷)

ب) هر که آمد بار خود را بست و رفت / ما همان بدبخت و خوار و بی‌نصیب / زان چه حاصل جز دروغ و جز دروغ؟ / زین چه حاصل جز فریب و جز فریب؟ (۹۶)

۶. استبطاء: در شواهد منابع قدیم، دیر شمردن امری را با «کی» نشان داده‌اند اما اخوان از ادات دیگری برای این موضوع استفاده کرده است که به قرینه، همان معنای «کی» دریافت می‌شود:

الف) تحمل می‌کنم این حسرت و چشم انتظاری را... « / ولی باران نیامد... » / پس چرا باران نمی‌آید؟» (۵۵)

ب) دریغا دخمه‌ای در خورد این تنهای بد فرجام نتوان یافت / کجایی ای حریق؟ ای سیل؟ ای آوار؟ (۱۴۵)

۷. امر: در منابع قدیم، که عمدتاً بر شواهد قرآنی متکی است، بیشتر با اداتی مثل «هل» این نوع پرسش مطرح شده است؛ مثل هَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ؟ (مانده، ۹۱) که معنای ضمنی این است که مسلمان شوید یا مسلمان باشید. در موارد اندکی که در شعر اخوان این نوع پرسش به کار رفته در قالب کلاسیک است: *اعجاز روح رویش باور مگر نداری؟* اکنون همه درختان پر جست و پر جوانه‌ست

جهاد و جهاد باید تا سنگ سد گشاید / کی ره سپرده آید تا گام بر نداری؟ (۳۷۰)

۸. استبعاد: پرسش استبعادی بیشتر گوینده محور است و حال گوینده را نشان می‌دهد. در شواهدی که به زبان عربی است بیشتر با «آئی» و در فارسی نیز بیشتر با

اداتی نظیر: کجا... کجا یا با عباراتی نظیر دورم باد و دور باد، دوری دو موضوع نشان

داده شده است. در گزیده شعر اخوان یک بار بیشتر این پرسش مطرح نشده و آن هم با عبارت: چه نسبت است؟ بیان شده است:

غریق و مست می زنده رود و کارونیم / چه نسبت است بدان ساحل ارس ما را؟

(۸)

هوم نبایستی بیندیشم / بس که زشت و نفرت انگیز است این تصویر/ جنگ بود این یا شکار؟ آیا / میزبانی بود یا تزویر؟ (۲۷۶)

۹. نهی: پرسشی که در این موارد می‌آید مقابل امر است و همانند امر، مخاطب محور است، در شاهد زیر شاعر از ارواح کائنات می‌خواهد او را بیگانه نداند:

«من امشب از شما می‌پرسم، ای ارواح شاد کائنات، آخر/ چرا با اینهمه انس نجیب و آشنا جانی/ مرا در جمع خود بیگانه می‌دانید؟/ و این تصویرهای نازنین را در خلوص روشن باور/ ندیده سیر، بیرحمانه و جاوید / به قعر ظلمتی بی‌روزنم رانید؟» (۲۸۹)

در این بیت نیز به شیوه قدیم همین معنی را از پرسش خواسته است:

گریش ممکن نشود کم غنیمت است / اندوه بیش و کم چه خوری؟ دم غنیمت است (۴۰۲)

۱۰. حسرت و تأسف (اندوه و دریغ): این نوع پرسش در منابع قدیم بلاغت نیست و فقط در برخی از منابع جدید بلاغت مطرح شده است. در شعر اخوان نیز به نسبت کم دیده می‌شود اما آنچه هست، گویا و رساننده دریغ شاعر است:

بر او هر شب نثاری هست روشن مثل شعرش مثل نامش پاک / ولی دردا، دریغا، او چرا خاموش؟ / چرا در خاک؟ (۲۶۳)

در شاهد بعدی معنای اولیه پرسش انکار است اما معنای ضمنی حسرت نیز با توجه به تأکید خود شاعر فهمیده می‌شود:

آن نخستین بار و گویا آخرین دیدار با او بود / دیگر او را کی توانم دید؟ / یا کجا؟ هرگز / حسرتم بسیار و می‌گویم ببازم کاش / شرطهائی را که بستم باز با هرگز (۳۱۶).

۱۱. استیناس: بسامد زیاد نمونه‌های استیناس در شعر اخوان معنی‌دار است؛ یک علت آن می‌تواند تأثیر زبان گفتار باشد. دوم اینکه احساس همدلی و ارتباط اولیه بین دو نفر از وظایف ذاتی زبان است؛ همان طور که یاکوبسن یکی از نقش‌های زبان را نقش صحبت‌گشایی و همدلی دانسته است (ر.ک: فالر، ۱۳۸۶: ۷۵ و ۷۶). امکانات زبان گفتار در گشودن سر سخن با دیگری نسبتاً گونه‌گون، و برخی از آنها را اخوان در شعر خود به کار برده است. عمده شواهد استیناس در شعر اخوان در قالب گفتگو، و این خود مؤید تأثیر خاص زبان گفتار در شعر اوست؛ همان طور که لزوم انس با دیگری از راه گفتگو شروع می‌شود و این موضوع نیز یک عامل بسامد زیاد پرسش‌هایی است که معنای استیناس را در بر دارد. در نمونه زیر شاعر بیشتر در صدد گفتن دلتنگی‌های خود با قاصدک است اما نخست با پرسش، سر سخن را با او می‌گشاید:

قاصدک هان چه خبر آوردی؟ / از کجا وز که خبر آوردی؟ / خوش خبر باشی اما

اما... (۱۲۵)

هم چنین در چند قطعه شعر مثل «پیوندها و باغ» و «از دروغ زشت...» شگرد شاعر این است که شخصیت اصلی نخست یک عمل نمادین انجام می‌دهد و سپس با یک پرسش باب گفتگو را باز می‌کند؛ مثلاً در شعر پیوندها یکی از دو شخصیت اصلی روایت، نخست با انداختن یک سیب سرخ به هوا یک عمل نمادین انجام می‌دهد و سپس در صدد گشودن باب گفتگو با مخاطب خود است. او آگاه است که جواب چیست با این حال به دنبال بهانه‌ای است تا سخن بگوید:

گفت: / «گپ زدن از آبیاریها و از پیوندها کافی است. / خوب / تو چه می‌گویی؟» /

«آه / چه بگویم؟ هیچ» (۱۶۸)

هم چنین در سطرهای زیر شاعر خود اذعان می‌کند که جوان تازه وارد به زندان شگرد خاصی برای آشنایی دارد؛ نخست با مزاحی یکی - دوتا پس گردنی به نشانه «بی‌خیالش باش» می‌زند، سپس باب گفتگو را با پرسش «قبلاً من شما را جایی ندیده‌ام؟» می‌گشاید؛ جواب مخاطب هر چه باشد او گفتگو را ادامه می‌دهد و همین شگرد

کلید آشنایی اوست:

عادتش این بود یا شاید شگردی بود / که برای فتح باب آشنایی داشت / یا به قولی این نقابش بود بر رخسار... / با همه در اولین دیدار / این چنین می گفت: / «به گمانم من شما را پیش از این هم دیده باشم؟ نیست؟» (۲۰۵)

از دیگر تعبیرهای گفتاری که اخوان هم بدین منظور به کار می برد، عبارت پرسشی «گوشت اینجا هست؟» است. در سطرهای زیر فیلسوف کوچک و غمگین حرفی دارد که باید بزند اما برای اینکه توجه مخاطبان را جلب کند، سخن خود را با پرسش شروع می کند:

فیلسوف کوچک و غمگین ما، انگار حرفی داشت / «...گفتم این را، یا نه؟ باید گفته باشم، / گوشتان اینجا هست؟» / «گوشت من با توست.» / این را من به او گفتم. / «باید این را هم بگویم...» / «خُب بگو» گفتم. / «مردم پیشین، شنیدی یا نه؟» / «آری مردم پیشین» / «زندگی را مردم پیشین / خورد و پوش و لذت آغوش می دیدند...» (۱۹۴)

با صدایی ساخته تقلید او می کرد: / «هی فلانی خوب فکرش را بکن، هی گوشت اینجا هست؟» (۲۰۶)

نظیر این گونه پرسشها را در قطعات دیگر نیز با عبارتهایی نظیر هیچ می دانی؟ (۲۱۳)، گوشت اینجا هست؟ (۲۱۴)، تازگی ها هیچ در کشمیر یا کابل... بوده اید آیا؟ (ص ۲۰۳)، تو چه شد که آمدی اینجا؟ تو چگونه؟ (ص ۲۰۴)، من بگویم یا تو می گویی؟ (ص ۲۳۸)، آهای... با تو... می شنوی؟ (۳۲۴) به کار برده است. اشعاری که در آنها اخوان، روایت خود را از محیط زندان گرفته یا در زندان ارائه کرده، این نوع پرسشها که متضمن فتح باب آشنایی است، بسامد بیشتری دارد. این موضوع در بررسی محتوای این گونه اشعار هم یک عامل تأثیرگذار است، دلتنگی و اندوهناکی یک زندانی در جمع و در گفتگو با دیگران کمتر می شود و به همان نسبت بسامد پرسشهایی که معنای ضمنی استیناس را در بر داشته باشد، بیشتر می شود.

۱۲. توییخ و ملامت: در منابع قدیم فقط در «الایضاح» توییخ همراه با تعجب ذکر

پرسش بلاغی در شعر مهدی اخوان ثالث

شده است (رک: خطیب قزوینی، ۱۴۲۴ق: ۱۱۵). در منابع جدید به سبب فراوانی بیان انتقاد، معنی توبیخ و ملامت به شکل پرسش بیشتر شده است. توبیخ و ملامت، که به نوعی انتقاد از مخاطب تلقی می‌شود در شعر اخوان بسامد نسبتاً قابل توجهی دارد:

توبیخ: آبها از آسیا افتاده لیک / باز ما ماندیم و عدل ایزدی. / آنچه گویی گویدم هر شب زخم / «باز هم مست و تهی دست آمدی؟» (۹۵)

ملامت: وای بر ما، با چنین کج داوریهامان / مطلق و تمثال نیکی را / وای ازین بد باوریهامان / مهر اهریمن چرا آخر / بر اهورا آفرین حاجات یزدانی ست؟ (ص ۲۰۲)

راستی که وای بر ما مردم نفرین شده کج‌بین

این چه بنیاد بد است آخر، چه ویرانی است؟

(۲۰۲)

که دل من هم دل ست آخر؟ / سنگ و آهن نیست / او چرا این قدر از من غافل است آخر؟ (۱۸۹)

هم‌چنین مواردی در شعر اخوان متضمن ملامت است که با ادات پرسش همراه نیست و از لحن خواندن مفهوم پرسش فهمیده می‌شود؛ این مطلب نیز تأثیر زبان گفتار را در شعر معاصر نشان می‌دهد:

«باز هم آن غدر نامردانه چرکین، / باز هم آن حيله دیرین، / چاه سر پوشیده، هوم! چه نفرت‌آور! جنگ یعنی این؟ / جنگ با یک پهلوان پیر؟» (۲۷۲)
ای فغان آن صورتک رقصان بی‌معنی کجاست؟

تا زخم دادمش به سر کاین رسم بیداد / او نهاد

(۳۵۲)

۱۳. تعظیم: شاهدهی که در «جواهر البلاغه» برای تعظیم از قرآن نقل شده معنای انکار نیز می‌دهد (الهاشمی، ۱۹۹۹م: ۸۴). در شعر اخوان نیز موارد کم این گونه پرسش، دارای معنای ضمنی تعظیم و نیز تأکید است:

چنین غمگین و هایاهای / کدامین سوگ می‌گریاندت ای ابر شبگیران اسفندی؟...

(۱۶۶)

آشکارا نتوان گفت چه کردی و چه بود آن عبارت که تو پنهان به اشارت کردی؟
(۳۹۱)

۱۴. نفی: چنانکه قبلاً نیز اشاره شد، قدما معنای ضمنی انکار را اصل قرار داده‌اند و معنای نفی برداشت متأخران است.

«نه خواهر جان! چه جای شوخی و شنگی است؟ / غریبی، بی‌نصیبی، مانده در راهی ... (۱۳۸)

۱۵- تمنا و آرزو: معنای ضمنی آرزو در قالب پرسش، جدید، و در منابع قدیم دیده نشده است. اما در شعر معاصر به نسبت زیاد است و در شعر اخوان نیز بسامد نسبتاً فراوانی دارد. شاعر تمنای خود را با ادات پرسشی آیا و ای کاش و کدام به کار می‌برد؛ مثلاً در شعر «قاصدک» به صورت پوشیده آرزو کرده خردک شرری وجود داشته باشد:

الف: راستی آیا جانی خبری هست هنوز؟ / مانده خاکستر گرمی جانی؟ / در اجاقی - طمع شعله نمی‌بندم - خردک شرری هست هنوز؟ (۱۲۷)
ب: ای کاش می شد بدانیم / ناگه غروب کدامین ستاره / ژرفای شب را چنین بیش کرده است؟ (۱۷۹)

کاش می‌شد بنویسم چه نوشتی با چشم کاش می‌گفت عبارت چه اشارت کردی؟
(۳۹۲)

۱۶. فراوانی: از مواردی است که کمتر در منابع به عنوان معنای ضمنی سؤال مطرح شده، و در عربی با ادات «کم» بیان شده است؛ مثل كَمْ تَرَکُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ عُیُونٍ ... (آق اولی، بی‌تا: ۵۰). در فارسی با ادات «چند» و «چه‌ها» شاهد دیده می‌شود. اخوان نیز از این نوع سؤال کمتر استفاده کرده است که آنجا نیز معنای انکار می‌دهد؛ اما اداتی که او به کار می‌برد از زبان گفتار تأثیر می‌پذیرد:

بپوش ای دیده چشم از هر چه بینی مگر از دست دل کم می‌کشم من؟
(ص ۲۹)

۱۷. اظهار یأس و درماندگی: در مقابل معنی تشویق و اظهار امیدواری که در شعر اخوان نیست، معنای اظهار یأس و نومیدی بسامد نسبتاً زیادی در شعر وی دارد. این موضوع با ذهن و فکر شاعر ارتباط مستقیم دارد. معنای ضمنی یأس و درماندگی در منابع بلاغی قدیم ذکر نشده است و در منابع جدید نیز فقط شمیسا و کزازی آن را در بحث استفهام مطرح کرده اند (رک: شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۴۰؛ کزازی، ۱۳۷۳: ۲۱۶). علت احتمالی این است که معنای نفی نیز از این گونه پرسش‌ها برداشت می‌شود طبق تقسیم‌بندی قدما این مقوله در نفی جای می‌گیرد. اظهار یأس گوینده محور و بیان حال شاعر است. در نمونه‌های الف و ب، دو پرسش نخست معنای تعجب را نیز به ذهن متبادر می‌کند اما پرسش سوم معنای نفی و اظهار یأس را توأمان در بر دارد:

(الف) خامش ای آوازخوان خامش / در کدامین پرده می‌گویی؟ / وز کدامین شور یا بیداد؟ / با کدامین دلنشین گلبنانگ می‌خواهی / این شکسته خاطر پژمرده را از غم کنی آزاد؟ (۱۲۳)

(ب) با بهشتی مرده در دل کوسر سیر بهارانش؟ / خندد اما خنده‌اش خمیازه را ماند. (همانجا).

(د) چون درختی در زمستانم / بی که پندارد بهاری بود و خواهد بود. / دیگر اکنون هیچ مرغ پیر یا کوری / در چنین عریانی انبوهم آیا لانه خواهد بست؟ (۱۱۶)
دیگر آیا زخمه‌های هیچ پیرایش / با امید روزهای سبز آینده، / خواهدم اینسو و آنسو خست؟ (۱۱۷)

هم‌چنین در این نمونه تغزلی هر چند معنای کلی سؤال نفی موکد است، یأس و بریدن امید نیز فهمیده می‌شود:

گشته در رویش نگاهم محو / مانده در چشمم نگاهش مات / باز هم او را توانم دید؟ / آه کی دیگر؟ کجا؟ هیات (۳۱۴)

فریاد از آن کنند که فریادرس رسد / فریاد را چه سود چو فریادرس نماند؟
(۱۳)

۱۸. **تجاهل:** در منابع بلاغی، تجاهل به عنوان یک آرایه در بدیع معنوی مطرح شده و به عنوان پرسش بلاغی اشاره‌ای به آن نشده است، بنابراین طرح تجاهل در قالب پرسش در مباحث معانی کاملاً جدید است؛ چنانکه جدول تطبیقی این جستار نشان می‌دهد، فقط شمیسا بدان اشاره کرده است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۴۲). در سطرهای زیر اخوان نخست پرسشی طرح می‌کند و بعد با تجاهل دو جواب تردیدآمیز به آن می‌دهد:

لیک در ژرفای خاموشی / ناگهان بی اختیار از خویش می‌پرسد / کآن چه حالی بود؟ / آنچه می‌دیدیم و می‌دیدند / بود خوابی، یا خیالی بود؟ (۱۲۳)

هم‌چنین در نمونه زیر شاعر خود را نسبت به زمان ناآگاه نشان داده است:

ناگهان از خویشتن پرسد / راستی را آن چه حالی بود؟ / دوش یا دی، پار یا پیرار / چه شبی، روزی، چه سالی بود؟ (۱۲۴)

گاه تجاهل با حیرت و تعجب نیز همراه است:

چیست این؟ - می‌پرسد از خود آدمی - این چیست؟ / کیست این مجذوب آن جذبه؟ منم آیا؟ / خویشتن را بیند و پرسد ز خود این کیست؟ (۱۹۹)
گاهی نیز تجاهل با تهکم و تمسخر همراه شده است:

... دزد آقا پوزخندی زد / که نمی‌شد گفت تف در صورتش افتاده، یا خنده‌ست؟! (۲۰۹)

در این نمونه نیز دو بعدی بودن صحنه مرگ رستم با پرسشی تجاهلی مطرح شده است:

بس که زشت و نفرت انگیزست این تصویر / جنگ بود این یا شکار؟ آیا / میزبانی بود یا تزویر؟ (۲۷۶)

۱۹. **اظهار عجز و درماندگی:** معنای ضمنی عجز نیز جدید است و فقط شمیسا آن را مطرح کرده است (رک: شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۳۸). این معنا نیز از فروع انکار می‌تواند به شمار آید چون معنای نزدیک آن انکار، و معنای عجز و درماندگی متفرع بر آن است. بررسی شواهدی که متضمن معنای عجز است نشان می‌دهد که اظهار عجز اخوان مثل

خیام بیشتر از ناآگاهی و ندانستن راز هستی و پایان آن است:

الف) آه! آه! اما / چی بگویم، چون نمی‌دانم؟ / من نمی‌دانم که هستی چیست یا هستن؟ (۲۹۷)

ب) ... و گر آن ناخوانده مهمانی که ما را می‌برد با خویش / ناگهان از در در آید زود / پس چه خواهد بود - می‌پرسم - / سرنوشت آن عزیزانی که نام آرزوشان بود؟ (۳۰۴)

برخیز امید و چاره غمها ز باده خواه

ور نیست پس چه چاره کنی؟ چاره پس نماند

(۱۴)

برگ پارینه چه بهری برد از ابر بهار؟ کشت خشکم که عبث حسرت باران دارم

(۲۴)

۶۷ ۲۰. اظهار بیزاری و نفرت: با بررسی جامعه آماری این تحقیق، بیش از یک شاهد

از اشعار اخوان به دست نیامد که به نوعی متضمن معنای تنفر باشد:

هی بگردم دخترم را، دختر با غیرتم، هم‌میهن گُردم! / من یقین دارم که می‌بینی / کاین زمان آبشخور ما از چه رود بی‌سرو پایبی ست؟ / و کشان ما را به سوی خویش / چه لجن در ذات دریایی است؟ / خوب می‌دانم، که دانی خوب / که چه بد دهری و دنیایی ست (۲۳۴).

۲۱. تسویه: در منابع بلاغت، فقط در «جواهر البلاغه» به این معنا اشاره شده و آیه

«وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ...» (البقره، ۶) شاهد آورده شده است. در زبان فارسی عمدتاً با اداتی نظیر چه...چه و یا...یا حکم تسویه داده می‌شود. بیش از یک شاهد در شعر اخوان یافت نشد. ظاهر این سطرها بیانگر تجاهل است اما با دقت در بافت درونی و معنا مشخص می‌شود که شاعر با این سؤال آدمک بر شیشه را با مستمعان نقال یکی دانسته است:

دارد اینک می‌رود، تنها / زین قدیمی قهوه‌خانه، آن کهن آن راستگو نقال / بر بخار

بی‌بخاران، روی شیشه در / با سرانگشتی که گرید ماضی‌اش بر حال / حال او لرزد بر

استقبال / نقش بندد یادگار نفرت و خشمش: / نقشی از یک آدمک، با پیکری سیال / من نمی‌دانم / آدمک بر شیشه، با آن حال و آن منوال، / نقش آن حرآفک جادوست، / یا حریفانی که هوش و گوششان با اوست؟ (۲۸۲)

۲۲. بیان تردید همراه با آرزو: این معنا عمدتاً در شعر معاصر مطرح شده است (رک: شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۴۲). اخوان تردید و آرزوی خود را برای رسیدن منجی در قالب این سؤال مطرح کرده است:

الف: پشتون مرده است آیا؟ / و برف جاودان بارنده سام گرد را سنگ سیاهی کرده / است آیا؟ ...» (۱۴۶)

ب: - « ... غم دل با تو گویم، غار! / بگو آیا مرا دیگر امید رستگاری نیست؟» (۱۴۶)

ج- شاعر در سطرهای زیر نخست تردید و آرزوی گروه تشنگان را برای ابر بارنده مطرح می‌کند و سپس جواب پیر دروگر را به دنبال می‌آورد:

گروه تشنگان در پیچ افتادند: / «آیا این / همان ابرست کاندرا پی هزاران روشنی دارد؟» / و آن پیر دروگر گفت با لبخند زهرآگین: / «فضا را تیره می‌دارد ولی هرگز نمی‌بارد.» (۵۶)

د- در مواردی ضمن تردید و آرزو، استیناس نیز مطرح است. در شاهد زیر دو سطر اول متضمن گشودن سر سخن است اما سطرهای بعد بیان تردید و آرزو توأمان مطرح است:

قاصدک! هان، ولی... آخر... ایوای! / راستی آیا رفتی با باد؟ / با توام آی! کجا رفتی؟ آی...! / راستی آیا جایی خبری هست هنوز؟ / مانده خاکستر گرمی جایی؟ / در اجاقی - طمع شعله نمی‌بندم - خردک شرری هست هنوز؟ (۱۲۷)

گاهی فقط تردید مطرح است و شاعر بین دو موضوع شک دارد:

نپرسیدم / که من آن نقش خواب آلود را آیا؟ / شبی در خوابهای مات فام کودکی دیدم؟ / و یا در عمر و عالمهای دیگر، پیش از این پیکر؟ (۲۸۶)

در مواردی اخوان فقط شک و تردید را با پرسش مطرح می‌کند. از این حیث شعر «روی جاده نمناک» متضمن بیشترین پرسش بین اشعار اوست. این شعر دربارهٔ صادق هدایت (۱۲۸۰-۱۳۳۰) سروده شده است. زندگی و مرگ هدایت به خودی خود پرسشهای زیادی را در اذهان ایجاد کرد و شاعر هم با درک درست خود اساس این قطعه را بر پرسشهای متعدد در باب یک اثر ناپدید شده و سپس مرگ او نهاده است. هفده پرسش در این شعر مطرح شده که بر پایه یک پرسش اصلی شکل گرفته است. پرسش اصلی این است: «آه! چه می‌دیده ست آن غمناک روی جاده نمناک؟» سپس سایر پرسشهای این قطعه بر پایه آن بنا شده است (رک: اخوان ثالث، ۱۳۷۵: ۱۵۷ و ۱۵۶)؛ چون ساخت این قطعه بر اساس پرسش است و احتمالات و جوابهایی که خواننده بدانها می‌دهد بر وسعت معنای شعر می‌افزاید.

۲۳. کسب اجازه: در منابع جدید تنها شمیسا بدان اشاره کرده اما شاهد شعری نیاورده است (رک: شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۴۰). در یک بیت اخوان - که در قالب کلاسیک و خطاب به سمندری دو تار نواز معروف خراسانی سروده شده است - نوعی معنای ضمنی کسب اجازه نهفته است:

تو با دو سیم محشر کبری به پا کنی / شش تار خویش من شکم یا نه؟ هان بگو
(۳۸۳)

۲۴. اغراق: اغراق نیز از برداشتهای جدید در معانی ضمنی استفهام است و قدما بدان اشاره‌ای نکرده‌اند. شمیسا آن را مطرح کرده و بیتی از حافظ را شاهد آورده است (رک: همان، ۱۴۱). معنایی که از بیت حافظ در آن کتاب و هم‌چنین شواهد شعر اخوان بر می‌آید به گونه‌ای است که به طور کلی، گاه معنای انکار و گاه معنای تقریر می‌دهد و بایسته است که زیر مجموعه آن دو قرار بگیرد. اما بافت کلام به گونه‌ای است که پرسش می‌تواند متضمن معنای اغراق یا مبالغه و غلو نیز باشد:

الف: با کدامین دلنشین گلبانگ می‌خواهی / این شکسته خاطر پژمرده را از غم کنی
آزاد؟ / چرکمرده صخره‌ای در سینه دارد او / که نشوید همت هیچ ابر و بارانش /

پهنه‌ور دریای او خشکید / کی کند سیراب جود جویبارانش؟ / با بهشتی مرده در دل،
کو سر سیر بهارانش؟ (۱۲۳)

ب: زندگی را دوست می‌دارم / مرگ را دشمن. / وای، اما - با که باید گفت این؟ -
من دوستی دارم / که به دشمن خواهم از او التجا بردن. (۹۷)

۲۵. طلب اخبار: این معنا نیز جدید، و در منابع قدیم بلاغی به آن نشده اشاره‌ای
است. شمیسا آن را با عنوان «امر به طریق غیر مستقیم و مؤدبانه» آورده و شاهد شعری
ذکر نکرده است (رک: همان، ۱۳۶). پیشتر در همین جستار معنای ضمنی امر به صورت
جدا همراه با شواهد آن مطرح شد. از این رو این عنوان اصلاح، و تحت عنوان طلب
اخبار مطرح شد تا بر انشای طلبی نیز دلالت داشته باشد. طلب اخبار از لحاظ کمیت
بیشترین میزان پرسش را در بر می‌گیرد. در شعر اخوان این گونه سؤالها عمدتاً برای
کسب خبر نیست بلکه معانی دیگری دارد؛ مثلاً معنای ضمنی اعتراض یا پرسش از
فلسفه طبیعت و زندگی در مواردی مطرح است. این گونه معانی جداگانه در قسمت
معانی جدید آورده شده است. اکنون شواهدی که عمدتاً متضمن معنی طلب اخبار
است، نقل می‌شود:

الف) ای مرده خون خراطین، آن زنده دل شرر کو؟

باری بگو خدا را، از او خبر نداری؟

(۳۷۲)

ب: و می‌پرسد، صدایش ناله‌ای بی‌نور: / «کسی اینجاست؟ / هلا! من با شما،
های!... می‌پرسم کسی اینجاست؟ / کسی اینجا پیام آورد؟ / نگاهی یا که لبخندی؟ /
فشار گرم دست دوست ماندی؟ (۸۴)

۲۶- شمول حکم: این معنا را نیز فقط شمیسا مطرح کرده است (شمیسا، ۱۳۸۶:
۱۴۰). معنای نزدیکی که از این گونه پرسش به ذهن می‌رسد، نفی و حتی گاه نهی
است، اما بافت سخن نوعی شمول حکم را نیز نشان می‌دهد:

شرمسار شرف خویش ازین عجز نیم به قضا و قدرم سلطه مگر داده کسی؟

(۳۹۶)

دم فرو بند که شکوا ندهد سود امید / کی مجالی به شهیدان هنر داده کسی؟
(۳۹۷)

در بیت نخست، شاعر بیان می کند که بر قضا و قدر تسلط ندارد؛ هم چنانکه دیگران نیز این نفوذ و قدرت را ندارند و در بیت دوم شاعر شکوه را بی فایده می داند چون هیچ یک از شهیدان هنر مجال گله و شکوه نداشته اند.

۲۷. تأکید و تقریر خبر و جلب توجه: این گونه پرسش در شعر اخوان نسبتاً پرشمار است. از شواهد چنین بر می آید که نخست گوینده پرسش را برای جلب توجه مطرح می کند و سپس بدان پاسخ می دهد (رک: شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۴۱). بنابراین، این نوع معنای ضمنی پرسش را می توان در قسمت معانی جدید ذکر کرد. از طرفی این معنا با معنای ضمنی استیناس در مواردی مشترک است. در بیت زیر می توان عبارت «هیچ می دانی؟» و نظیر آن را که برای جلب توجه مخاطب است در تقدیر گرفت:

بر بام بلند ابر تاری کیست / غرنده چو دد در آهنین تله
(۳۵)

در شعر «کتیبه» همه منتظرند تا یکی از جمع، آنچه را در کتیبه خوانده است برای دیگران هم بازگوید. شاعر برای جلب توجه و تقریر خبر گوینده آن را پرسشی می آورد:

پس از لختی / در اثنایی که زنجیرش صدا می کرد، / فرود آمد. گرفتیمش که پنداری
که می افتاد. / نشاندمش. / به دست ما و دست خویش لعنت کرد. / «چه خواندی هان؟»
/ مکید آب دهانش را و گفت آرام: / «نوشته بود / همان / کسی راز مرا داند ... (۱۳۴)

در شعر اخوان ثالث، ساختهای دیگری هست که تازه به نظر می رسد و برخی از آنها متضمن جلب توجه مخاطب و تأکید خبر است؛ مثلاً گاهی برای معرفی شخص روایت و جلب توجه مخاطب نخست پرسش و سپس پاسخ آن می آید:

این کیست؟ گرگی محتضر زخمیش بر گردن، / ... وین کیست؟ گفتاری ز گودال
آمده بیرون (۱۴۸)

موارد دیگری نیز هست که شاعر پشت سر هم چند سؤال مطرح می‌کند تا توجه مخاطب را برانگیزد:

و می‌پرسد صدایش ناله‌ای بی‌نور: / «کسی اینجاست؟ / هلا! من با شمایم، های! ...
می‌پرسم کسی اینجاست؟ / کسی اینجا پیام آورد؟ / نگاهی یا که لبخندی؟ / فشار گرم
دست دوست ماندی؟ / و می‌بیند صدائی نیست، نور آشنایی نیست، حتی از نگاه مرده-
ای / هم رد پای نیست. (۸۴)

معانی ضمنی جدید

غیر از آن دسته از معانی ضمنی پرسش که در منابع بلاغی قدیم بدانها اشاره شده است و هر چه به دوره اخیر نزدیک شده‌ایم تعداد آنها بیشتر شده است، معانی دیگری نیز در شعر نیمایی قابل برداشت است که در شعر اخوان نیز مطرح شده است. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. گله و شکایت: یکی از معانی ضمنی استفهام، که در منابع قدیم و جدید بلاغی ذکری از آن نشده است اما در شعر اخوان مصداق آن هست و تازه به نظر می‌رسد، گله و شکایت است. هر چند در ظاهر، شاعر می‌گوید قصد گله و شکایت ندارد، و پرسش او معنای کلی انکار می‌دهد، گله و شکایت نیز ضمناً از آن فهمیده می‌شود:

«... و اما این شکایت نیست، یا فریاد، یا زنهار / همین می‌پرسد این فرزند خاک
ازتان: / حکایت با که گوید، یا امانت با که بسپارد، / ز شومی‌های این نامادر عیار؟ / ز
شومی‌های این فرزند و زنهار و امانت خوار؟ (۲۸۹)

۲. بیهودگی و بی‌ثمری: در پرسش زیر معنای کلی انکار است اما بی‌نتیجه بودن تلاش نیز دریافت می‌شود:

... و در آن چشمه‌هایی هست / که دایم روید و روید گل و برگ بلورین بال شعر از
آن / و می‌نوشد از آن مردی که می‌گوید: / «چرا بر خویشتن هموار باید کرد رنج
آبیاری کردن باغی / کز آن گل کاغذین روید؟» (۸۶)

فریاد از آن کنند که فریادرس رسد / فریاد را چه سود چو فریادرس نماند؟

(۱۳)

۳. تکرار پرسش برای تأکید: از جمله موارد نادری که در شعر اخوان دیده می‌شود و در منابع بلاغی بدان اشاره‌ای نشده است، تکرار سوگند برای تأکید و همزمان تعظیم و مبالغه است:

شاتقی آن گاه / گفت: / چه بگویم، چی بگویم، آه / زندگی! ای زندگی! افسوس! /
هی فلانی! با چه سوگندی بگویم من، چه سوگندی؟ / به چراغ روز و محراب شب و
موی بتم طاووس / من / زندگی را دوست می‌دارم / مرگ را دشمن... (۲۳۸)

۴. پرسش هستی‌شناختی: نوعی از پرسش در شعر اخوان طرح شده است که هر چند می‌تواند زیر عنوان طلب خبر مطرح شود، بهتر است جایگاه جدیدی بدان اختصاص بدهیم. این نوع سؤال را می‌توان پرسش هستی‌شناختی تلقی کرد. در میان شاعران کلاسیک، خیام به دلیل طرح این گونه سؤالهای - گاه بی‌پاسخ - شهرت زیادی دارد. شاید یک علت شهرت او نیز طرح آن اندیشه‌ها در قالب پرسش باشد. گویی طرح مطلب در قالب سؤال به عظمت موضوع می‌افزاید. این گونه پرسش در شعر شاعرانی چون حافظ نیز دیده می‌شود؛ مثلاً در این بیت حافظ بحث از هستی و چیستی فلک مطرح شده است:

چیست این سقف بلند ساده بسیار نقش؟
زین معما هیچ دانا در جهان آگاه نیست
(حافظ، ۱۳۶۲: ۱ / ۱۶۰)

در شعر اخوان نیز قطعاتی هست که همان لحن خیامی با همان گونه سؤالها تکرار شده است. شاعر در حل معمای هستی درمانده است و از مخاطب می‌خواهد فکر کند و اگر به جوابی رسید به او خبر بدهد؛ این نوع پرسش در ادبیات کلاسیک نیز سابقه زیادی دارد در شعر اخوان نیز این گونه پرسشها بسامد زیادی دارد. او با دیدن یک پر که با وزش باد حرکت می‌کند به فکر فرو می‌رود و آن گاه پرسشهای هستی‌شناسی خود را مطرح می‌کند در حالی که یک پرسش بنیادی: تا به حال فکر کرده‌ای؟ نیز در

تقدیر این گونه پرسشها هست. این نوع پرسشها را می‌توان جداگانه به شرح زیر تقسیم کرد:

۴-۱ پرسش فلسفی: دیده‌ای بسیار و می‌بینی / می‌وزد بادی، پری را می‌برد با خویش، / از کجا؟ از کیست؟ / هرگز این پرسیده‌ای از باد؟ / به کجا؟ وانگه چرا؟ زین کار مقصد چیست؟ (۲۴۰)

گاهی اندیشیده‌ام با خویش / کاندترین تاریک ژرف نیستی، و اقصای نادانی / چیست هستی؟ یا بگو هستن؟ / چون ندانستن نبودن را شناسم لیک / چیست بودن؟ چیست دانستن؟ (۲۹۷).

۴-۲ پرسش اعتراضی: گاهی پرسش‌های شاعر متضمن معنای اعتراض است. این پرسش‌های متوالی برای آن طرح می‌شود تا نسبت به بی‌عدالتی و به شرور عالم اعتراض کند:

ابلهان زیرا به غفلت ایمنند از رنج دیوانه / از چراها فارغند و راحت از چون‌ها: / که چرا این بودن؟ آنگه این چنین بودن؟ / و چرا این هر چه بینی بد؟ / و چرا از بد بتر بیداد؟ / و چرا آن ناله، این فریاد؟ / آبنوس ست این، چرا باید شمردش عاج؟ / و چرا هم زشت، هم پر کبر و تردامن؟ / و چرا هم باج، هم تاراج؟ (۳۳۵)

۴-۳ پرسش اغتنام فرصت: مقصود پرسش‌هایی است که متضمن خوشباشی و بی-توجهی شاعر نسبت به واقعیت طبیعت و زندگی است. معنای ضمنی سؤال، طلب خبر نیست بلکه شاعر فارغ از آنچه در محیط می‌گذرد به خوشباشی می‌اندیشد:

و اما بیخبر بودیم با شور شباب و روشنای عشق / که این چندم شب ست از ماه؟ / و پیش از نیمشب یا بعد از آن، خواهد دمید از کوه؟ / و خواهد بود، طلوعش با غروب زهره، یا ظهر زحل همراه؟ (۲۴۷)

۵. پرسش با پاسخ: شاعر معمولاً پرسش را بدون جواب می‌گذارد تا شعر بُرد بیشتری پیدا کند و مخاطب، خود پاسخهای متعدد برای آن بیابد اما مواردی نیز هست

که شاعر جواب را هم عرضه می‌کند؛ این موضوع هم‌چنین نشان‌دهندهٔ احساس صمیمیت شاعر با مخاطب است:

ماجرای زندگی آیا / جز مشقت‌های شوقی توآمان با زجر / اختیارش هم‌عنان با جبر، / بسترش بر بُعد فرار و مه‌آلود زمان لغزان / در فضای کشف پوچ ماجراها، چیست؟ / من بگویم یا تو می‌گویی / هیچ جز این نیست؟» / تو بگویی یا نگویی نشنود او جز صدای خویش (۱۸۴).

هم‌چنین در جای دیگر می‌گوید:

بیا ره‌توشه برداریم. / قدم در راه بگذاریم. / کجا؟ هر جا که پیش آید. / بدانجایی که می‌گویند خورشید غروب ما، / زند بر پرده شبگیرشان تصویر. (۸۵)

هم‌چنین در بیت زیر، که نوعی معنای تجاهل نیز از آن برداشت می‌شود، پاسخ با پرسش همراه شده است:

«دیرآمدی‌ای ماه چرا؟» دانم و پرسم لبخند و سکوت است اگر هست جوابی (۳۱)

۶. پرسش بدون نشانه پرسش: از مواردی که تأثیر زبان گفتار را در زبان شعر معاصر نشان می‌دهد و در شعر قدیم، کمتر دیده می‌شود پرسش‌هایی است که ادات پرسش ندارد. این موارد حداقل به دو صورت در شعر اخوان دیده می‌شود:

۱-۶ حذف ادات پرسش به قرینهٔ معنوی: در شعر زیر، که شاعر گفتگوی زندانی با مادرش را روایت می‌کند در بافت درون زبانی خواننده می‌تواند پرسش را از قرینه متوجه شود و به جای نقطه‌چین، پرسش چه می‌شود و نظایر آن را مطرح کند:

گویدم «اینها دروغند و فریب». / گویم «آنها بس به گوشم خوانده‌اند» / گوید «اما خواهرت، طفلت، زنت...؟» / من نهم دندان غفلت بر جگر (۹۴)

۲-۶ طرح پرسش از طریق آهنگ قرائت شعر: اخوان در شعر «خوان هشتم»

می‌گوید:

باز هم آن حیلۀ دیرین / چاه سر پوشیده، هوم! چه نفرت‌آور! جنگ یعنی این؟ /
جنگ با یک پهلوان پیر؟ (۲۷۲)

نتیجه

۱. شعر اخوان متضمن معانی ضمنی قدیم و جدید استفهام یا پرسش بلاغی است.
۲. پربسامدترین پرسش‌ها به ترتیب اخبار غیرمستقیم و مؤدبانه، اظهار شگفتی و تعجب، استیناس و تأکید و تقریر خبر و جلب توجه مخاطب است؛ از آن میان معنای ضمنی اظهار شگفتی و تعجب در منابع قدیم بلاغت نیز آمده و دیگر معانی ضمنی در منابع بلاغی اخیر تعریف شده است.
۳. از میان معانی ضمنی، استیناس از زبان گفتار تأثیر پذیرفته است و این موضوع نشان می‌دهد که در بررسی‌های بلاغی شعر نیمایی باید ساختار زبان گفتار را به عنوان عامل مؤثر در نظر گرفت.
۴. به لحاظ سبک فردی، وجود معانی ضمنی اظهار یأس، عجز، حسرت و توبیخ و ملامت از یک سو و نبودن معانی ضمنی تشویق، اظهار امیدواری و ارشاد در شعر اخوان از سوی دیگر معنی‌دار است و نشان می‌دهد محتوای یأس‌آلود شعر او در فرم نیز بروز کرده است.
۵. علاوه بر معانی ضمنی قدیم، مواردی از پرسش‌ها در این جستار یافته شد که معنای ضمنی آنها در طبقه‌بندی کنونی منابع بلاغت نمی‌گنجد؛ از جمله می‌توان به معانی گله و شکایت، اغتنام فرصت و هستی‌شناختی و ... اشاره کرد.

پی‌نوشت

1. Rhetorical question
2. Implied question

پرسش بلاغی در شعر مهدی اخوان ثالث

جدول ۱: بسامد پرسش در گزینۀ اشعار اخوان ثالث

ردیف	نام مجموعه	قطعه شعر	تعداد پرسش
۱	ارغنون	۲۰	۳۰
۲	زمستان	۱۰	۳۲
۳	آخر شاهنامه	۱۰	۳۲
۴	از این اوستا	۱۰	۵۴
۵	زندگی می گوید باید زیست	۱۱	۶۸
۶	در حیاط کوچک پاییز در زندان	۹	۴۴
۷	دوزخ اما سرد	۱۲	۳۷
۸	ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم	۱۷	۲۸
۹	تازه ها	۱۰	۱۲
جمع		۱۰۹	۳۳۷

جدول نشان می دهد که از بین مجموعه های شعر اخوان ثالث، سه مجموعه از این اوستا، زندگی می گوید ... و در حیاط کوچک پاییز... با توجه به تعداد قطعات شعر، که نسبتاً بین مجموعه ها ثابت است، بیشترین پرسشها دیده می شود. این سه مجموعه حاصل سالهای اوج شاعری اخوان ثالث بوده است؛ هم چنین جدول نشانگر این است که دو مجموعه شعر سنتی (ردیف ۱ و ۸ جدول) تعداد کمتری پرسش را مطرح کرده است. ممکن است حوادث اجتماعی - سیاسی مانند کودتای ۲۸ مرداد، یأس اخوان و موقعیت محیط زندگی شاعر (زندان) در یأس فلسفی او و ایجاد سؤالیهای بی جواب در ذهن شاعر مؤثر باشد.

منابع

۱. آق اولی، عبدالحسین «حسام العلماء»؛ *درر الادب در فن معانی، بیان، بدیع*؛ [بی جا]: الهجره، بی تا.
۲. اخوان ثالث، مهدی؛ *گزینه اشعار مهدی اخوان ثالث*؛ چ پنجم، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۷۵.
۳. انوشه، حسن؛ *فرهنگنامه ادبی فارسی (دانشنامه ادب فارسی)*؛ ج ۲، چ دوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.
۴. ایبرمز، ام. اچ.؛ *فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی*؛ مترجم سعید سبزیان مرادآبادی، تهران: رهنما، ۱۳۸۴.
۵. تجلیل، جلیل؛ *معانی و بیان*؛ چ ششم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.
۶. التفتازانی؛ *المطول*؛ الطبعة الرابعة، قم: مکتبه الداوری، ۱۴۱۶ق.
۷. حافظ، شمس الدین محمد؛ *دیوان حافظ*؛ تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری، ج ۲، چ دوم، تهران: خوارزمی.
۸. خطیب قزوینی، جلال الدین محمد؛ *الایضاح فی علوم البلاغه المعانی و البیان و البدیع*؛ وضع حواشیه: ابراهیم شمس الدین، الطبعة الاولى، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
۹. داد، سیمیا؛ *فرهنگ اصطلاحات ادبی*؛ تهران: مروارید، ۱۳۷۱.
۱۰. رادفر، ابوالقاسم؛ *فرهنگ بلاغی - ادبی*؛ ج ۲، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۸.
۱۱. رجایی، محمد خلیل؛ *معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع*؛ چ سوم، شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۲.
۱۲. شمیسا، سیروس؛ *معانی*، چ نخست از ویراست دوم، تهران: میترا، ۱۳۸۶.
۱۳. صفوی، کورش؛ *از زیانشناسی به ادبیات، جلد اول: نظم*؛ تهران: سوره مهر، ۱۳۸۳.
۱۴. طیبیان، سید حمید؛ *برابرهایی علوم بلاغت در فارسی و عربی بر اساس تلخیص المفتاح و مختصر المعانی*؛ تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۸.
۱۵. فالر، راجر و دیگران؛ *زیانشناسی و نقد ادبی*؛ ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده، چ سوم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۶.
۱۶. قاسمی، رضا؛ *معانی و بیان تطبیقی*، تهران: فردوس، ۱۳۸۸.

۱۷. کادن، جی. ای.؛ فرهنگ توصیفی ادبیات و نقد؛ ترجمه کاظم فیروزمند، چ دوم، تهران: نشر شادگان، ۱۳۸۶.
۱۸. کزازی، میر جلال الدین؛ زیباشناسی سخن پارسی ۲ «معانی»؛ چ سوم، تهران: کتاب ماد (وابسته به نشر مرکز)، ۱۳۷۳.
۱۹. گری، مارتین؛ فرهنگ اصطلاحات ادبی؛ ترجمه منصوره شریف‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲.
۲۰. الهاشمی، السید احمد؛ جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع؛ ضبط و تدقیق و توثیق: د. یوسف الصمیلی، الطبعة الاولى، صیدا: المكتبة العصرية، ۱۹۹۹م.
۲۱. همایی، جلال الدین؛ معانی و بیان، به کوشش ماهدخت بانو همایی، چ دوم، تهران: مؤسسه نشر هما، ۱۳۷۳.

